

رساله پولس رسول به غلاطیان

۱ پولس، رسول نه از جانب انسان و نه بوسیله انسان بلکه به عیسی مسیح و خدای پدر که او را از مردگان برخیزانید،^۲ و همه برادرانی که با من می‌باشند، فیض و سلامتی از جانب خدای پدر و خداوند ما عیسی مسیح با شما باد؛^۳ که خود را برای گناهان ما داد تا ما را از این عالم حاضر شریر بحسب اراده خدا و پدر ما خلاصی بخشد،^۴ که او را تا ابدالآباد جلال باد. آمین.

تَعَجَب می‌کنم که بدین زودی از آن کس که شما را به فیض مسیح خوانده است، برمی‌گردید به سوی انجیلی دیگر،^۵ که (انجیل) دیگر نیست. لکن بعضی هستند که شما را مضطرب می‌سازند و می‌خواهند انجیل مسیح را تبدیل نمایند.^۶ بلکه هرگاه ما هم یا فرشته‌ای از آسمان، انجیلی غیر از آنکه ما به آن بشارت دادیم به شما رساند، اناتیما باد.^۷ چنانکه پیش گفتیم، الآن هم باز می‌گویم: اگر کسی انجیلی غیر از آنکه پذیرفتید بیاورد، اناتیما باد.^۸ آیا الحال مردم را در رأی خود می‌آورم یا خدا را؟ یا رضامندی مردم را می‌طلبم؟ اگر تابحال رضامندی مردم را می‌خواستم، غلام مسیح نمی‌بودم.

۱۱ اما ای برادران شما را اعلام می‌کنم از انجیلی که من بدان بشارت دادم که به طریق انسان نیست.^{۱۲} زیرا که من آن را از انسان نیافتم و نیاموختم، مگر به کشف عیسی مسیح.^{۱۳} زیرا سرگذشت سابق مرا در دین یهود شنیده‌اید که بر کلیسای خدا بی‌نهایت جفا می‌نمودم و آن را ویران می‌ساختم،^{۱۴} و در دین یهود از اکثر همسالان قوم خود سبقت می‌جستم و در تقالید اجداد خود بغایت غیور می‌بودم.^{۱۵} اما چون خدا که مرا از شکم مادرم برگزید و به فیض خود مرا خواند، رضا بدین داد^{۱۶} که پسر خود را در من آشکار سازد تا در میان امت‌ها بدو بشارت دهم، در آنوقت با جسم و خون مشورت نکردم،^{۱۷} و به اورشلیم هم نزد آنانی که قبل از من رسول بودند نرفتم، بلکه به عرب شدم و باز به دمشق مراجعت کردم.

^{۱۸} پس بعد از سه سال، برای ملاقات پطرس به اورشلیم رفتم و پانزده روز با وی بسر بردم. ^{۱۹} اما از سایر رسولان جز یعقوب برادر خداوند را ندیدم. ^{۲۰} اما درباره آنچه به شما می‌نویسم، اینک در حضور خدا دروغ نمی‌گویم. ^{۲۱} بعد از آن به نواحی سوریه و قیلیقیه آمدم. ^{۲۲} و به کلیساهای یهودیه که در مسیح بودند صورتاً غیر معروف بودم، ^{۲۳} جز اینکه شنیده بودند که «آنکه پیشتر بر ما جفا می‌نمود، الحال بشارت می‌دهد به همان ایمانی که قبل از این ویران می‌ساخت.» ^{۲۴} و خدا را در من تمجید نمودند.

۲

پس بعد از چهارده سال با برنابا باز به اورشلیم رفتم و تیطس را همراه خود بردم. ^۲ ولی به الهام رفتم و انجیلی را که در میان امت‌ها بدان موعظه می‌کنم، به ایشان عرضه داشتم، اما در خلوت به معتبرین، مبادا عبث بدوم یا دویده باشم. ^۳ لیکن تیطس نیز که همراه من و یونانی بود، مجبور نشد که مختون شود. ^۴ و این به سبب برادران کذب بود که ایشان را خفیه درآوردند و خفیه درآمدند تا آزادی ما را که در مسیح عیسی داریم، جاسوسی کنند و تا ما را به بندگی درآورند. ^۵ که ایشان را یک ساعت هم به اطاعت در این امر تابع نشدیم تا راستی انجیل در شما ثابت ماند.

اما از آنانی که معتبراند که چیزی می‌باشند - هرچه بودند مرا تفاوتی نیست، خدا بر صورت انسان نگاه نمی‌کند - زیرا آنانی که معتبراند، به من هیچ نفع نرسانیدند. ^۶ بلکه به خلاف آن، چون دیدند که بشارت نامختونان به من سپرده شد، چنانکه بشارت مختونان به پطرس - زیرا او که برای رسالت مختونان در پطرس عمل کرد، در من هم برای امت‌ها عمل کرد - ^۹ پس چون یعقوب و کیفا و یوحنا که معتبر به ارکان بودند، آن فیضی را که به من عطا شده بود دیدند، دست رفاقت به من و برنابا دادند تا ما به سوی امت‌ها برویم، چنانکه ایشان به سوی مختونان؛ ^{۱۰} جز آنکه فقرا را یاد بداریم و خود نیز غیور به کردن این کار بودم.

^{۱۱} اما چون پطرس به انطاکیه آمد، او را روبرو مخالفت نمودم زیرا که مستوجب ملامت بود، ^{۱۲} چونکه قبل از آمدن بعضی از جانب یعقوب، با امت‌ها غذا می‌خورد؛ ولی چون آمدند، از

آنانی که اهل ختنه بودند ترسیده، باز ایستاد و خویشان را جدا ساخت.^{۱۳} و سایر یهودیان هم با وی نفاق کردند، بحدی که برنابا نیز در نفاق ایشان گرفتار شد.

^{۱۴} ولی چون دیدم که به راستی انجیل به استقامت رفتار نمی‌کنند، پیش روی همه پطرس را گفتم: «اگر تو که یهود هستی، به طریق امت‌ها و نه به طریق یهود زیست می‌کنی، چون است که امت‌ها را مجبور می‌سازی که به طریق یهود رفتار کنند؟»^{۱۵} ما که طبعاً یهود هستیم و نه گناهکاران از امت‌ها،^{۱۶} اما چونکه یافتیم که هیچ‌کس از اعمال شریعت عادل شمرده نمی‌شود، بلکه به ایمان به عیسی مسیح، ما هم به مسیح عیسی ایمان آوردیم تا از ایمان به مسیح و نه از اعمال شریعت عادل شمرده شویم، زیرا که از اعمال شریعت هیچ بشری عادل شمرده نخواهد شد.

^{۱۷} اما اگر چون عدالت در مسیح را می‌طلبیم، خود هم گناهکار یافت شویم، آیا مسیح خادم گناه است؟ حاشا!^{۱۸} زیرا اگر باز بنا کنم آنچه را که خراب ساختم، هرآینه ثابت می‌کنم که خود متعدی هستم.^{۱۹} زانرو که من بواسطه شریعت نسبت به شریعت مردم تا نسبت به خدا زیست کنم.^{۲۰} با مسیح مصلوب شده‌ام ولی زندگی می‌کنم لیکن نه من بعد از این، بلکه مسیح در من زندگی می‌کند. و زندگانی که الحال در جسم می‌کنم، به ایمان بر پسر خدا می‌کنم که مرا محبت نمود و خود را برای من داد.^{۲۱} فیض خدا را باطل نمی‌سازم، زیرا اگر عدالت به شریعت می‌بود، هرآینه مسیح عبث مرد.

۳ ای غلاطیان بی‌فهم، کیست که شما را افسون کرد تا راستی را اطاعت نکنید که پیش چشمان شما عیسی مسیح مصلوب شده مبین گردید؟^۲ فقط این را می‌خواهم از شما بفهمم که روح را از اعمال شریعت یافته‌اید یا از خبر ایمان؟^۳ آیا اینقدر بی‌فهم هستید که به روح شروع کرده، الآن به جسم کامل می‌شوید؟^۴ آیا اینقدر زحمات را عبث کشیدید اگر فی‌الحقیقه عبث باشد؟^۵ پس آنکه روح را به شما عطا می‌کند و قوات در میان شما به ظهور می‌آورد، آیا از اعمال شریعت یا از خبر ایمان می‌کند؟

^۶ چنانکه ابراهیم به خدا ایمان آورد و برای او عدالت محسوب شد.^۷ پس آگاهید که اهل ایمان فرزندان ابراهیم هستند.^۸ و کتاب چون پیش دید که خدا امت‌ها را از ایمان عادل خواهد

شمرد، به ابراهیم بشارت داد که «جمیع امت‌ها از تو برکت خواهند یافت.»^۹ بنابراین اهل ایمان با ابراهیم ایمان‌دار برکت می‌یابند.

^{۱۰} زیرا جمیع آنانی که از اعمال شریعت هستند، زیر لعنت می‌باشند زیرا مکتوب است: «ملعون است هر که ثابت نماند در تمام نوشته‌های کتاب شریعت تا آنها را به‌جا آرد.»^{۱۱} اما واضح است که هیچ‌کس در حضور خدا از شریعت عادل شمرده نمی‌شود، زیرا که «عادل به ایمان زیست خواهد نمود.»^{۱۲} اما شریعت از ایمان نیست بلکه «آنکه به آنها عمل می‌کند، در آنها زیست خواهد نمود.»^{۱۳} مسیح، ما را از لعنت شریعت فدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد، چنانکه مکتوب است «ملعون است هر که بر دار آویخته شود.»^{۱۴} تا برکت ابراهیم در مسیح عیسی بر امت‌ها آید و تا وعده روح را به‌وسیله ایمان حاصل کنیم.

^{۱۵} ای برادران، به طریق انسان سخن می‌گویم، زیرا عهدی را که از انسان نیز استوار می‌شود، هیچ‌کس باطل نمی‌سازد و نمی‌افزاید.^{۱۶} اما وعده‌ها به ابراهیم و به نسل او گفته شد و نمی‌گوید «به نسلها» که گویا درباره بسیاری باشد، بلکه درباره یکی و «به نسل تو» که مسیح است.^{۱۷} و مقصود این است عهدی را که از خدا به مسیح بسته شده بود، شریعتی که چهارصد و سی سال بعد از آن نازل شد، باطل نمی‌سازد بطوری که وعده نیست شود.^{۱۸} زیرا اگر میراث از شریعت بودی، دیگر از وعده نبودی. لیکن خدا آن را به ابراهیم از وعده داد.

^{۱۹} پس شریعت چیست؟ برای تقصیرها بر آن افزوده شد تا هنگام آمدن آن نسلی که وعده بدو داده شد و بوسیله فرشتگان به دست متوسطی مرتب گردید.^{۲۰} اما متوسط از یک نیست، اما خدا یک است.^{۲۱} پس آیا شریعت به خلاف وعده‌های خداست؟ حاشا! زیرا اگر شریعتی داده می‌شد که تواند حیات بخشد، هرآینه عدالت از شریعت حاصل می‌شد.^{۲۲} بلکه کتاب همه چیز را زیر گناه بست تا وعده‌ای که از ایمان به عیسی مسیح است، ایمانداران را عطا شود.^{۲۳} اما قبل از آمدن ایمان، زیر شریعت نگاه داشته بودیم و برای آن ایمانی که می‌بایست مکشوف شود، بسته شده بودیم.^{۲۴} پس شریعت لالای ما شد تا به مسیح برساند تا از ایمان عادل شمرده شویم.^{۲۵} لیکن چون ایمان آمد، دیگر زیر دست لالا نیستیم.

^{۲۶} زیرا همگی شما بوسیله ایمان در مسیح عیسی، پسران خدا می‌باشید.^{۲۷} زیرا همه شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را در بر گرفتید.^{۲۸} هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی و

نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن، زیرا که همه شما در مسیح عیسی یک می‌باشید.^۹ اما اگر شما از آن مسیح می‌باشید، هرآینه نسل ابراهیم و برحسب وعده، وارث هستید.

۴ ولی می‌گویم مادامی که وارث صغیر است، از غلام هیچ فرق ندارد، هرچند مالک همه باشد.^۲ بلکه زیردست ناظران و وکلا می‌باشد تا روزی که پدرش تعیین کرده باشد.^۳ همچنین ما نیز چون صغیر می‌بودیم، زیر اصول دنیوی غلام می‌بودیم.^۴ لیکن چون زمان به کمال رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از زن زاییده شد و زیر شریعت متولد،^۵ تا آنانی را که زیر شریعت باشند فدیة کند تا آنکه پسرخواندگی را بیابیم.^۶ اما چونکه پسر هستید، خدا روح پسر خود را در دل‌های شما فرستاد که ندا می‌کند «یا ابا» یعنی «ای پدر.»^۷ لہذا دیگر غلام نیستی بلکه پسر، و چون پسر هستی، وارث خدا نیز بوسیله مسیح.

^۸ لیکن در آن زمان چون خدا را نمی‌شناختید، آنانی را که طبیعتا خدایان نبودند، بندگی می‌کردید.^۹ اما الحال که خدا را می‌شناسید بلکه خدا شما را می‌شناسد، چگونه باز برمی‌گردید به سوی آن اصول ضعیف و فقیر که دیگر می‌خواهید از سر نو آنها را بندگی کنید؟^{۱۰} روزها و ماهها و فصل‌ها و سالها را نگاه می‌دارید.^{۱۱} درباره شما ترس دارم که مبادا برای شما عبث زحمت کشیده باشم.

^{۱۲} ای برادران، از شما استدعا دارم که مثل من بشوید، چنانکه من هم مثل شما شده‌ام. به من هیچ ظلم نکردید.^{۱۳} اما آگاهید که به سبب ضعف بدنی، اول به شما بشارت دادم.^{۱۴} و آن امتحان مرا که در جسم من بود، خوار نشمردید و مکروه نداشتید، بلکه مرا چون فرشته خدا و مثل مسیح عیسی پذیرفتید.^{۱۵} پس کجا است آن مبارک‌بادی شما؟ زیرا به شما شاهدیم که اگر ممکن بودی، چشمان خود را بیرون آورده، به من می‌دادید.^{۱۶} پس چون به شما راست می‌گویم، آیا دشمن شما شده‌ام؟^{۱۷} شما را به غیرت می‌طلبند، لیکن نه به خیر، بلکه می‌خواهند در را بر روی شما ببندند تا شما ایشان را بغیرت بطلبید.^{۱۸} لیکن غیرت در امر نیکو در هر زمان نیکو است، نه تنها چون من نزد شما حاضر باشم.^{۱۹} ای فرزندان من که برای شما باز درد زه دارم تا

صورت مسیح در شما بسته شود.^{۲۰} باری خواهش می‌کردم که الآن نزد شما حاضر می‌بودم تا سخن خود را تبدیل کنم، زیرا که درباره شما متحیر شده‌ام.

^{۲۱} شما که می‌خواهید زیر شریعت باشید، مرا بگویند آیا شریعت را نمی‌شنوید؟^{۲۲} زیرا مکتوب است ابراهیم را دو پسر بود، یکی از کنیز و دیگری از آزاد.^{۲۳} لیکن پسر کنیز، بحسب جسم تولد یافت و پسر آزاد، بحسب وعده.^{۲۴} و این امور بطور مثل گفته شد زیرا که این دو زن، دو عهد می‌باشند، یکی از کوه سینا برای بندگی می‌زاید و آن هاجر است.^{۲۵} زیرا که هاجر کوه سینا است در عرب، و مطابق است با اورشلیمی که موجود است، زیرا که با فرزندان در بندگی می‌باشد.^{۲۶} لیکن اورشلیم بالا آزاد است که مادر جمیع ما می‌باشد.^{۲۷} زیرا مکتوب است: «ای نازاد که نزایده‌ای، شاد باش! صدا کن و فریاد برآور ای تو که درد زه ندیده‌ای، زیرا که فرزندان زن بی‌کس از اولاد شوهردار بیشتراند.»^{۲۸} لیکن ما ای برادران، چون اسحاق فرزندان وعده می‌باشیم.^{۲۹} بلکه چنانکه آنوقت آنکه بحسب جسم تولد یافت، بر وی که بحسب روح بود جفا می‌کرد، همچنین الآن نیز هست.^{۳۰} لیکن کتاب چه می‌گوید؟ «کنیز و پسر او را بیرون کن زیرا پسر کنیز با پسر آزاد میراث نخواهد یافت.»^{۳۱} خلاصه ای برادران، فرزندان کنیز نیستیم بلکه از زن آزادیم.

۵ پس به آن آزادی که مسیح ما را به آن آزاد کرد، استوار باشید و باز در یوغ بندگی گرفتار مشوید.^۱ اینک من پولس به شما می‌گویم که اگر مختون شوید، مسیح برای شما هیچ نفع ندارد.^۲ بلی باز به هر کس که مختون شود شهادت می‌دهم که مدیون است که تمامی شریعت را بجا آورد.^۳ همه شما که از شریعت عادل می‌شوید، از مسیح باطل و از فیض ساقط گشته‌اید.^۴ زیرا که ما بواسطه روح از ایمان مترقب امید عدالت هستیم.^۵ و در مسیح عیسی نه ختنه فایده دارد و نه نامختونی بلکه ایمانی که به محبت عمل می‌کند.

^۶ خوب می‌دویدید! پس کیست که شما را از اطاعت راستی منحرف ساخته است؟^۷ این ترغیب از او که شما را خوانده است نیست.^۸ خمیرمایه اندک تمام خمیر را مخمر می‌سازد.^۹ من در خداوند بر شما اعتماد دارم که هیچ رأی دیگر نخواهید داشت، لیکن آنکه شما را مضطرب سازد هر که باشد، قصاص خود را خواهد یافت.^{۱۰} اما ای برادران اگر من تا به حال به ختنه موعظه

می‌کردم، چرا جفا می‌دیدم؟ زیرا که در این صورت لغزش صلیب برداشته می‌شد.^{۱۲} کاش آنانی که شما را مضطرب می‌سازند خویشتن را منقطع می‌ساختند.

^{۱۳} زیرا که شما ای برادران به آزادی خوانده شده‌اید؛ اما زنه‌ار آزادی خود را فرصت جسم مگردانید، بلکه به محبت، یکدیگر را خدمت کنید.^{۱۴} زیرا که تمامی شریعت در یک کلمه کامل می‌شود یعنی در اینکه همسایه خود را چون خویشتن محبت نما.^{۱۵} اما اگر همدیگر را بگزید و بخورید، باحذر باشید که مبدا از یکدیگر هلاک شوید.

^{۱۶} اما می‌گویم به روح رفتار کنید، پس شهوات جسم را به‌جا نخواهید آورد.^{۱۷} زیرا خواهش جسم به خلاف روح است و خواهش روح به خلاف جسم؛ و این دو با یکدیگر منازعه می‌کنند بطوری که آنچه می‌خواهید نمی‌کنید.^{۱۸} اما اگر از روح هدایت شدید، زیر شریعت نیستید.

^{۱۹} و اعمال جسم آشکار است، یعنی زنا و فسق و ناپاکی و فجور،^{۲۰} و بت‌پرستی و جادوگری و دشمنی و نزاع و کینه و خشم و تعصب و شقاق و بدعتها،^{۲۱} و حسد و قتل و مستی و لهو و لعب و امثال اینها که شما را خبر می‌دهم چنانکه قبل از این دادم، که کنندگان چنین کارها وارث ملکوت خدا نمی‌شوند.

^{۲۲} لیکن ثمره روح، محبت و خوشی و سلامتی و حلم و مهربانی و نیکویی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری است،^{۲۳} که هیچ شریعت مانع چنین کارها نیست.^{۲۴} و آنانی که از آن مسیح می‌باشند، جسم را با هوسها و شهواتش مصلوب ساخته‌اند.^{۲۵} اگر به روح زیست کنیم، به روح هم رفتار بکنیم.^{۲۶} لاف‌زن مشویم تا یکدیگر را به خشم آوریم و بر یکدیگر حسد بریم.

۶ اما ای برادران، اگر کسی به خطایی گرفتار شود، شما که روحانی هستید چنین شخص را به روح تواضع اصلاح کنید. و خود را ملاحظه کن که مبدا تو نیز در تجربه افتی. بارهای سنگین یکدیگر را متحمل شوید و بدین نوع شریعت مسیح را به‌جا آرید.^۳ زیرا اگر کسی خود را شخصی گمان برد و حال آنکه چیزی نباشد، خود را می‌فریبد. اما هرکس عمل خود را امتحان بکند، آنگاه فخر در خود به تنهایی خواهد داشت نه در دیگری،^۵ زیرا هرکس حامل بار

خود خواهد شد. ^۶ اما هر که در کلام تعلیم یافته باشد، معلم خود را در همه چیزهای خوب مشارک بسازد. ^۷ خود را فریب مدهید، خدا را استهزاء نمی‌توان کرد. زیرا که آنچه آدمی بکارد، همان را درو خواهد کرد. ^۸ زیرا هر که برای جسم خود کارد، از جسم فساد را درو کند و هر که برای روح کارد از روح حیات جاودانی خواهد دروید. ^۹ لیکن از نیکوکاری خسته نشویم زیرا که در موسم آن درو خواهیم کرد اگر ملول نشویم. ^{۱۰} خلاصه بقدری که فرصت داریم، با جمیع مردم احسان بنماییم، علی‌الخصوص با اهل بیت ایمان.

^{۱۱} ملاحظه کنید چه حروف جلی بدست خود به شما نوشتم. ^{۱۲} آنانی که می‌خواهند صورتی نیکو در جسم نمایان سازند، ایشان شما را مجبور می‌سازند که مختون شوید، محض اینکه برای صلیب مسیح جفا نبینند. ^{۱۳} زیرا ایشان نیز که مختون می‌شوند، خود شریعت را نگاه نمی‌دارند بلکه می‌خواهند شما مختون شوید تا در جسم شما فخر کنند. ^{۱۴} لیکن حاشا از من که فخر کنم جز از صلیب خداوند ما عیسی مسیح که بوسیله او دنیا برای من مصلوب شد و من برای دنیا. ^{۱۵} زیرا که در مسیح عیسی نه ختنه چیزی است و نه نامختونی بلکه خلقت تازه. ^{۱۶} و آنانی که بدین قانون رفتار می‌کنند، سلامتی و رحمت بر ایشان باد و بر اسرائیل خدا. ^{۱۷} بعد از این هیچ کس مرا زحمت نرساند زیرا که من در بدن خود داغهای خداوند عیسی را دارم. ^{۱۸} فیض خداوند ما عیسی مسیح با روح شما باد ای برادران. آمین.